

مردم هزاره و خراسان بزرگ

نقی خاوری



مؤسسه انتشارات عرفان

تهران، ۱۳۹۲



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: خاوری، تقی، ۱۳۱۷ -

عنوان و نام پدیدآور: مردم هزاره و خراسان بزرگ / تقی خاوری.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه انتشارات عرفان، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۳۵ ص:، ۱۴ × ۲۱ س م.

شابک: ۱۷۰۰۰۰ ریال: 3 - 20 - 6580 - 600 - 978

وضعیت فهرست نویسی: فیفا.

یادداشت: چاپ قبلی: محمدابراهیم شریعتی افغانستانی، ۱۳۸۵.

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: هزاره ها.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۲ خ ۴ / ۶ / ۲۵۴ DC

رده بندی دیویی: ۹۵۸ / ۱۰۰۴۹۴۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۳۲۰۹۴۳۳



مؤسسه انتشارات عرفان

● مردم هزاره و خراسان بزرگ ● تقی خاوری

○ ویرایش و صفحه‌آرایی، محمدکاظم کاظمی ○ طرح روی جلد، سید محسن حسینی

چاپ اول، ۱۳۹۲ ○ شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه ○ قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف‌نگار

● کلیه حقوق در ایران و افغانستان برای ناشر محفوظ است.

تهران، خیابان سمیه، بین مفتح و رامسر، پلاک ۱۱۸، طبقه سوم، واحد ۶ تلفن: ۸۸۳۰۰۲۴۵

کابل، چوک دهبوری، چهارراهی شهید، انتشارات عرفان. تلفن: ۷۹۹۳۴۹۷۲۷ - ۰۰۹۳

پخش در ایران: تهران، خ انقلاب، خ فخر رازی، پلاک ۳۳، پخش گزیده. تلفن: ۶۶۴۰۰۹۸۷

ISBN: 978 - 600 - 6580 - 20 - 3

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۵۸۰ - ۲۰ - ۳

۱۲۲	ارتباط کلمه آزره با نهضت‌ها
۱۲۷	جدول اقوام هزاره
۱۲۸	نام‌های طوایف هزاره
۱۳۹	نسب‌شناسی اقوام هزاره
۱۴۶	اما انساب آنها
۱۶۵	هزاره‌های ایرانی
۱۷۴	ریشه‌یابی نامهای هزاره در ایران
۱۸۲	صولت‌السلطنه هزاره
۱۹۷	حملة عبدالرحمان خان به هزاره‌جات
۲۰۸	آغاز حیات از مناطق اشغال شده
۲۱۰	اعلام جنگ عمومی و قیام سیاسی
۲۱۱	اعلام جنگ از طرف عبدالرحمان خان
۲۲۵	شکست شورشیان و آغاز مهاجرت
۲۲۹	هزاره و تشیع
۲۴۱	زبان هزارگی
۲۴۸	مختصات صوتی لهجه بخارایی؛ ابدال در حرکات
۲۴۹	مختصات صوتی (ابدال در حروف)
۲۵۳	مشخصات دستوری
۲۶۰	بعضی اصطلاحات در گویش هزارگی
۲۶۶	صرف افعال در زبان هزاره‌ای
۲۷۲	دوره دوم در زبان هزارگی
۲۷۵	فولکلور هزاره
۲۷۹	مراسم، اعیاد و جشنهای مذهبی
۲۸۰	مراسم عید نوروز
۲۸۸	خصوصیات اخلاقی هزاره‌ها
۲۹۱	سرگذشت میر یزدان‌بخش
۲۹۷	منابع
۳۰۳	نامنامه
۳۰۵	نام کسان
۳۱۶	نام جایها
۳۲۸	نام اقوام و قبایل

یادداشت اول

تا به امروز که مشغول نوشتن این سطور می باشم، هیچ کتابی در باب تاریخ مردم هزاره در ایران به قلم نیامده یا من از وجود آن بی اطلاعم؛ گو این که در قرن حاضر در کشورهای اتحاد شوروی سابق و همچنین در افغانستان و پاکستان کتابهایی در این باره نگاشته شده است. از این رو سالها پیش که قصد نوشتن کتابی درباره مردم هزاره داشتیم، هیچ نوع مأخذ یا سندی که روشنگر این مطالب باشد در دسترس نبود؛ در نتیجه سالها از وقت من صرف جست و جو در کتابها و متون قدیم شد.

اگر پژوهنده ای قصد تحقیق در فلان دوره تاریخی در پیوند با اقوام و طوایف داشته باشد - فی المثل در باب اقوام گُرد یا بلوچ و یا سایر اقوام - مأخذ بسیاری در دسترس وی قرار خواهد گرفت، حال آن که اگر پژوهشگری

درباره هزاره خیال تحقیق داشته باشد، این کار در حد همان خیال باقی خواهد ماند، چون هیچ‌گونه مأخذی در باب مردم‌شناسی هزاره در ایران وجود ندارد. البته از دوره ایلخانیان به بعد گاه‌گذاری جسته‌گریخته اسم هزاره در کتابهای تاریخ به چشم می‌خورد، اما مسئله مهم، قبل از دوره ایلخانی (مغول) است که قضیه مبهم مانده و همین، سبب شده که برخی محققین به نظریه‌ای واهی استناد کنند و هزاره را از اعقاب چنگیز ببندارند، حال آن‌که ساختار قومی هزاره را ششصد و به روایتی هفتصد طایفه شکل می‌دهد و این همه طوایف متنوع غیرممکن است که نشأت گرفته از یک سلسله قومی یعنی مغول باشد. استناد جستن به همین نظرگاه، که باعث پیچیده‌شدن قضیه می‌شود، گو این‌که در زمینه مردم‌شناسی نیز تاکنون توسط مردم‌شناسان کاری صورت نگرفته است. در نتیجه هرگاه کتابی درباره مردم خراسان نوشته شود، خون در باب هزاره مطلب و یا اطلاعی در دسترس نیست، کار به سامان نمی‌رسد.

هزاره یا به گفته خود این مردم «آزره» لهجه‌ای از زبان کهن دری - که از زبانهای پهلوی شمالی است و در این کتاب بدان اشاره شده - دارد و نشان می‌دهد که این قوم از خراسانیان کهن شرق ایران به‌شمار می‌آید.

در این متن به منشأ این مردم نیز پرداخته شده که از قدیم یعنی قبل از اسلام ساکن شرق ایران بوده‌اند و جای شگفتی است که تاکنون چنین مردمی برای هموطنان عزیز ناشناخته مانده‌اند، و این ناشناختگی حتی شامل خود این مردم نیز می‌شود، که تاکنون شاخه‌ای از خویش ندارند، با این‌که نسل اندر نسل در خراسان زاده شده‌اند و از دیدگاه محققان خارجی به هزاره‌های ایرانی معروفند و به گفته برخی پژوهشگران اروپایی به هزاره‌های غربی مشهورند و در خراسان ایران به نام «خاوری» نیز از آنان یاد می‌شود.

این کتاب زمینه‌ای است برای مردم‌شناسی و درک و دریافت منشأ مردم هزاره که طی سالها پژوهش تدوین گردیده است. هزاره‌ها نیز مانند دیگر

اقوام ایرانی چون **کُرد** و **ترک** و **بلوچ** و **ترکمن** که در برخی از کشورهای همسایه ساکن‌اند، در کشورهای **ایران** و **پاکستان** و **افغانستان** و آسیای میانه پراکنده‌اند. از این روی نخست بر آن شدم که نام این کتاب را «هزارگان بریشان» بگذارم. اما چون اینان مانند برخی از اقوام خراسانی برخاسته از شرق **ایران** اند - هر چند با چهرهٔ آسیای میانه‌ای - و ناگزیر پیوندی فرهنگی تاریخی با مشرق **ایران** دارند، کتاب نام «مردم هزاره و خراسان بزرگ» به خود گرفت، که مردم هزاره نه از دیرباز که هم‌اکنون نیز در بخشهایی از **خراسان بزرگ** پراکنده‌اند.

این کتاب نتیجه سالها تلاش و پژوهش است. البته بر آن نیستم که اثری کامل و بی‌عیب و نقص نگاشته‌ام، چون نگارنده بر مبنای تقدیر، در کار شعر است و کار تحقیق از سنج دیگری است. در کار شاعری، هر شعر در حکم مأخذی است، اما در کار تحقیق هر سطر باید دارای مأخذ باشد؛ در نتیجه کار تحقیق برای یک شاعر کاری بس توألفرسانست و من ناگزیر بودم به چنین پژوهشی دست یازم چون سماعت مضمون در اندیشه‌ام خانه کرده بود و ناخودآگاه گاهی در شعرها نیز هنگام سرودن رخ می‌نمود.

به یادم هست، یک بار قبل از دوران انقلاب در این فکر شدم و باز از آن درگذشتم، تا این‌که در سال ۱۳۶۲ شعری به نام «هزارگان بریشان» سرودم و بعد از آن مغلوب تحقیق شدم. پس از چندی تحقیق بی‌حاصل، یک روز بر حسب اتفاق **فرهنگ معین** را ورق می‌زدم، ناگهان کلمهٔ «هزارستان» نظرم را جلب کرد، با شرحی مختصر در باب **هزارهٔ غور**. دیگر همین و همین، و بعد از مدتی تنها نکته‌ای که به فکرم خطور کرد، ساختار طوایف **هزاره** بود با تیره‌های مختلف که چندتایی از آن در تاریخهای کهن مشاهده می‌شد مانند **خلیج**، **قرلق**، **دایه**، **نیمان** و غیره. پس، تحقیق را از نامهای **هزاره** شروع کردم که از متن‌ها کم و بیش در نظرم بود با ارجاع مجدد به متون تاریخی به جمع‌آوری فیشها پرداختم.

در حین اسباب‌کشی فیشها و تعدادی از غزلهایی که سروده بودم، گم

برخی کتابهایی که درباره اقوام مختلف اظهار شده، اسمی از این مردم مشاهده نمی‌شود و گاه‌گذاری هم اگر اسمی از آنها در برخی کتابها مشاهده شود، نامهای دیگری ست که به این طایفه اطلاق می‌شود.

مقوله هزاره در زمینه مردم‌شناسی میحث بسیار مهمی است که طوایف گوناگونی را شامل می‌شود. در این کتاب به این تنوع اشاره شده است. مبنای این کتاب در اصل هزاره‌شناسی است و هزارستان (هزاره‌جات) در بستر خراسان بزرگ و شرق ایران با غنای اقوام مختلف و تمدن خراسانی که یادگار دوران باستان است و دریغا خراسان بزرگ که مانند پیکری قطعه‌قطعه شده است.

لازم به توضیح است که در این متن تا حدودی از تمام مستندات و نظریه‌های گوناگون پژوهشگران که در باب هزاره اظهار شده نیز استفاده شده است که مبنای این کتاب هزاره‌شناسی است.

امید که با این قلم ناچیز دین کوچک خود را در این کار بزرگ ادا کرده باشم. این نگارنده در برابر صاحب‌ظلال و استادان گرانقدر مدّعی کار بی‌خلل نیست و مسلم است که هر کتابی را نیاز به نقد و بررسی است.

تقی خاوری

۷۷ / ۷ / ۵

یادداشت دوم

و اما درباره این کتاب توضیحاتی به نظر می‌رسد که به شرح آن پرداخته خواهد شد. از جمله، بخش اول کتاب مربوط به وضعیت جغرافیایی هزارستان (هزاره جات) است و بعد بخش چشم‌اندازهای دور، پرداختن به جغرافیای تاریخی این سرزمین و همچنین حضور اقوام ترک (زردپوست) در این منطقه است که همزمان با تحولات تاریخی این سرزمین و جابه‌جایی اقوام از زمان کوشانیان تا دوره بعد از اسلام صورت می‌پذیرد. در این حوادث، اقوامی از طوایف هزاره نیز در این دوران مشاهده می‌شوند. این اقوام هسته‌های قومی هزاره را از آن زمان تاکنون تشکیل می‌دهند که به تدریج - به‌ویژه از دوره ایلخانی به بعد - اقوامی دیگر به این مجموعه قومی اضافه می‌شود.

بخش «نگاه نزدیک» شناخت منشأ این مردم، یعنی هزاره‌شناسی است که به‌طور مفصل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در بخشهای دیگر

جدول اقوام هزاره، وضعیت هزاره‌های ایرانی، واقعه صولت السلطنه و مذهب، فرهنگ، و زبان هزاره و هم‌چنین یک حادثه تاریخی طرح می‌شود. در این بخش، حمله عبدالرحمان خان به هزاره جات هم آمده است که تأثیر بسیاری بر سرنوشت این مردم گذاشت. در پایان، سرگذشت یکی از سرداران هزاره به نام میر یزدان را نقل کرده‌ام.

و اما داستان کتاب هم مثل سرنوشت هزارگان پریشان است. از زمانی که آن را به پایان برده‌ام، تاکنون پنج سال می‌گذرد. سه سال از این پنج سال، در «مرکز خراسان‌شناسی» در پیچ‌وخم کارهای اداری گذشت که در این مدت یک ارزیاب ایرانی این کتاب را ارزیابی کرد و درگذشت؛ که خدایش بیامرزد و دیگر یک ارزیاب تاجیکستانی و سه ارزیاب افغانستانی، هر کدام نظراتی در باب مطالب کتاب اظهار داشتند که نقدهای آنها را تا حد لازم با کمال دقت به اجرا درآوردم و بعد کتاب به نظر کارشناسان «مرکز خراسان‌شناسی» رسید. بعد از سه سال به من گفتند «کتاب از نظر علمی هیچ‌گونه اشکالی ندارد، اما...» و این اماها، در همه جا هست. ای کاش این اما را روز اول به من می‌گفتند و من سه سال در این مؤسسه سرگردان نمی‌شدم. خلاصه در میان این کش‌وقوس‌ها و اماها، ناگهان مرکز خراسان‌شناسی برای همیشه تعطیل شد^۱ و ناچار، من ماندم و بلا تکلیفی. فقط به این فکر افتادم که هر طور شده لااقل کتاب را به دست بیاورم؛ که به دست آوردم. به هر حال، تنها مزیتی که خراسان‌شناسی داشت، همین ارزیابی کتاب توسط این ارزیابهای محترم بود که به قول بعضی از این عزیزان، این متن خوب و با دقت از کار درآمد.

والسلام

تقی خاوری

۸۰/۱۲/۱۰